

بررسی تفکرات اجتماعی مؤثر بر تغییرات بافت کالبدی- فضایی شهرها با تاکید بر معماری دهه قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ از منظر تألیفات معاصر^۱

علیرضا جزء پیری

دانش آموخته دکتری معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهرداد متین^۲

استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

کاوه بذرافکن

استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

چکیده

موضوع پژوهش، پردازش عوامل اجتماعی تاریخ بعد از انقلاب ایران و اثرات آن بر تفکرات معماری معاصر است. عوامل اجتماعی مؤثری که به نوعی دخیل در تغییر و تحول معماری هر دوره تاریخی بشمار می‌روند. معماری به‌عنوان یک جریان میان‌رشته‌ای همواره از عواملی چون جامعه تأثیر گرفته است. سؤال این است که ارتباط معماری با زمینه‌های اجتماعی چگونه بوده و این ارتباط در حوزه معماری برای سه دهه انقلاب ۱۳۵۷ چگونه است؟ فرض پژوهش بر این است که مطالعه در تاریخ معماری معاصر ایران می‌تواند پژوهش‌گر را به بینشی عمومی در حال و هوای جامعه سال‌های مورد نظر و بالعکس هدایت نماید. تشریح ارکان اجتماعی در تألیفات معماری محرز است و بینش حاصل، با ارجاع به وقایع تاریخی- اجتماعی قابل تبیین خواهد بود. پژوهش پس از مطالعه کتابخانه‌ای در دو حوزه اجتماعی و معماری در تلاش است تا برداشتی از جامعه آن روزها و تبعیت معماری از آن به دست آورد، در این میان محتوای آثار تألیفی که متأثر از عوامل اجتماعی هستند را شناسایی و معرفی کند. پژوهش کیفی است با راهبرد تفسیری که با روش تاریخی و به‌کارگیری استدلالی منطقی پس‌زمینه‌متغیری مداخله‌گر همچون جامعه در معماری را تبیین می‌کند. نتیجه این بررسی‌ها نشان می‌دهد که معیارهای تشخیص جوانب اجتماعی معماری در ۳ دوره تاریخی قبل از انقلاب، انقلاب ۱۳۵۷ و دهه بعد از انقلاب، بیانگر نوعی گذر از جامعه‌ای فوق‌مدرن و لوکس به جامعه‌ای سنتی- مذهبی و مجدداً بازگشت به جامعه مدرن معتدل می‌باشد.

واژگان کلیدی: تفکرات اجتماعی، انقلاب ۱۳۵۷، تألیفات معاصر، معماری معاصر.

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری علیرضا جزء پیری با عنوان «تبیین دوره بندی تاریخی معماری پس از انقلاب ایران با رهیافت تاریخ گرائی هبگلی» به راهنمایی دکتر مهرداد متین و مشاوره دکتر کاوه بذرافکن در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی است.

۲- (نویسنده مسئول) Email: mehrdad.matin@ymail.com

مقدمه

شناخت معماری معاصر ایران بدون مطالعه در عوامل شکل‌دهنده آن امری غیرممکن است. این عوامل هم در یک دوره تاریخی و برگرفته از فاکتورهایی همچون اقتصاد، جامعه، سیاست، فرهنگ و ... هستند. معماری امروز ایران فاقد شناسنامه مدون و انتشاریافته‌ای است. هنوز هیچ کتاب مدونی از تاریخ معماری معاصر ایران در دسترس نداریم که بتواند ارزش‌های اصیل و دستاوردهای آن را برای جامعه بازگو کند و در جهت رشد و اعتلای فرهنگ معماری جامعه مؤثر افتد (Farahi, 1999: 9).

در همین راستا شناخت یک‌یک عوامل مداخله‌گر همچون جامعه و عوامل اجتماعی منتج از آن و نیز برآمدن معماری منطبق بر این ساختار اجتماعی، موضوع این پژوهش می‌باشد. بدهی است با توجه به گستردگی دامنه اطلاعات در این حوزه، لازم است تا محدودیتی در این خصوص اعمال شود تا بتواند در قالب یک مقاله به نتیجه برسد. بدین ترتیب جامعه قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ انتخاب و بررسی می‌گردد. این مقطع زمانی به لحاظ حساسیت تاریخی، اثرگذاری بسیار شاخصی در کلیه ارکان جامعه ایران معاصر داشته است. گمان می‌رود معماری نیز در این دوره متأثر از این تحولات دچار تغییرات ساختاری عدیده‌ای شده باشد که بررسی این موضوع هدف نهائی این پژوهش خواهد بود. این تحقیق تفسیری- تاریخی است، بدین ترتیب که: پس از استخراج زمینه‌های اجتماعی تاریخ معاصر ایران و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس دوره‌های تاریخی مشخص، با استفاده از روش تحلیل منطقی تفسیر شده و خروجی‌های معمارانه‌ای برای هر دوره استنتاج می‌گردد. این شیوه که از مشتقات روش تحقیق کیفی است، بر آن است تا با مطالعه رخدادهای اجتماعی تاریخ معاصر، تفکرات شکل گرفته در هر دوره را مجدداً تبیین و عرضه نماید. این فرایند تاریخی پس از پیشروی در مسائل اجتماعی، نهایتاً به ساختاری ختم می‌گردد که حال و هوای معمارانه هر دوره تاریخی را تلخیص نموده است. پژوهش بر آن است تا با مطالعه تاریخ اجتماعی معاصر بعد از انقلاب به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ارتباط معماری با زمینه‌های اجتماعی معاصر چگونه می‌تواند باشد؟
 - تأثیر عوامل تاریخی معاصر همچون جامعه در تفکرات معماری دهه‌های قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ چیست؟
- فرض پژوهش این است که مطالعه در جامعه معاصر ایران می‌تواند پژوهشگر را به بینشی عمومی در خصوص حال و هوای سال‌های مورد نظر هدایت نماید. پژوهشگر نیز با استدلال‌های منطقی و با استفاده از ارجاعات تاریخی، فرایندی معقول در تشخیص ارتباط عوامل اجتماعی و تفکرات معماری معاصر در سال‌های قبل و بعد از انقلاب تشخیص می‌دهد. در واقع هدف این است تا با تجمیع عواملی تاریخی- اجتماعی در بازه خاص، بتوان حال و هوای هر دوره تاریخی را به‌عنوان تفکرات غالب در معماری آن دوره استخراج کرد. لذا وجود منابع تاریخی گسترده در حوزه جامعه معاصر، تلخیص منابع تاریخی مختلف و همسو نمودن این وقایع با یکدیگر، به ساز و کاری تئوریک برای تشخیص عوامل مؤثر در تفکرات معماری بعد از انقلاب خواهد انجامید. بررسی تاریخ معاصر در دو حوزه اجتماعی و معماری ضرورت این پژوهش بشمار می‌رود.

پیشینه پژوهش در دو بخش ارائه می‌شود: بخش اول، «جامعه معاصر» و بخش دوم، «معماری معاصر». تاریخ معاصر ایران توسط پژوهشگران برتری در حوزه‌های مختلف در سال‌های بعد از انقلاب به تفصیل شرح داده شده است. در پاره‌ای موارد وابستگی به جریان‌های مختلف سیاسی-اجتماعی منجر شده است تا آثاری هدف‌دار تدوین شوند. آثار مهمی عمدتاً در قالب مقالات، تلاش کرده‌اند تا مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر در تاریخ جامعه معاصر ایران را بررسی کنند، در مواردی نیز از این مقالات در پژوهش حاضر بهره گرفته شده است. از مهم‌ترین آثار حوزه تاریخ اجتماعی معاصر «تاریخ ایران مدرن» و «ایران بین دو انقلاب» اثر پرواند آبراهامیان، «دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران» اثر حسین بشیریه و از مقالات این عرصه «سمت و سوی تحولات سیاسی-اجتماعی بعد از انقلاب در ایران» اثر یحیی فوزی، «روند دگرگونی‌های ارزشی در ایران پس از انقلاب از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸» اثر محمدرحیم عیوضی و فرزاد جهان‌بین، «از مطالبه حق به شهر تا شکل‌گیری انقلاب شهری. اثر عبدالحسین کلانتری و مینو صدیقی کسمایی، «بررسی مسئله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ (۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره» اثر شیرین علیزاده و طاهره قادری، «بررسی توسعه سیاسی در عصر مشروطه و دهه اول انقلاب اسلامی» اثر امید غفاری، محمود کتابی و نفیسه واعظ و ...، مقالات و گزارش‌هایی از این دست از جمله این آثار برشمرده می‌شوند.

در خصوص بخش دوم، پیشینه که به معماری معاصر ایران اختصاص دارد، باید گفت: عملاً منبع منسجمی در خصوص موضوع عوامل غیرمعمارانه مداخله‌گر در معماری معاصر ایران وجود ندارد. صرفاً آثاری در قالب کتاب‌های معماری معاصر همچنین مقالاتی مشابه همین پژوهش، مواردی را مورد بررسی قرار داده‌اند که در این میان صرفاً پنج کتاب و چندین مقاله در خور توجه هستند. از این جمله می‌توان به «معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته» اثر امیر بانی مسعود، «نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران» اثر سیروس باور، «سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران» اثر وحید قبادیان، «میراث معماری مدرن ایران» اثر اسکندر مختاری طالقانی و «تحلیلی بر معماری معاصر ایران» اثر حمیدرضا انصاری و مقالاتی چون «ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران» اثر منوچهر معظمی و عیسی حجت، «بررسی تطبیقی نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر ایران و ترکیه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش. (۱۹۲۰ تا ۱۹۷۹ م)» اثر ناصر حسن‌پور و حسین سلطان‌زاده، «سیر تحولات فرمی در طراحی معماری بناهای فرهنگی در معماری معاصر ایران (سه دهه پس از انقلاب اسلامی)» اثر ایرج اعتصام، رضا فرمینی فراهانی و رحمان اقبالی، «معماری دوره پهلوی، بعد از جنگ جهانی دوم (قسمت هشتم مدخل معماری دانشنامه ایرانیکا)» اثر نادر اردلان، «مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش» اثر ناصر ثبات ثانی و «تحول معماری در ایران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷ (۱۹۴۰-۱۹۷۸)» اثری از عبدالعزیز فرمانفرمایان از جمله پژوهش‌هایی مرتبط با پژوهش حاضر به شمار می‌روند.

این مقاله بر آن است تا با مطالعه در رخدادهای تاریخی - اجتماعی معاصر در دهه‌های قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به یک چارچوب منطقی در ارتباط میان عوامل غیرمعماری یا معماری با استفاده از روش تاریخی - تفسیری دست یابد. با توجه به تاریخی بودن ارکان مقاله، این پژوهش جنبه کاملاً کیفی دارد. لذا تفسیر منطقی - عقلانی تنها و مؤثرترین روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش خواهد بود. در این نوع تحلیل، پژوهشگر با استفاده از اطلاعات گردآوری شده، در راستای محک صحت برخی حدس و گمان‌ها برآمده و به محض آشکار شدن درستی این پیش‌بینی‌ها، مدعی می‌شود که بنا به این دلیل (ها)، چنین استنتاجی قابل‌ارائه است. در این پژوهش نیز با استفاده از اطلاعات تاریخی گردآوری شده، ردیف‌هایی از تلخیص عوامل اجتماعی معاصر استخراج و سپس به عوامل معماری ارتباط داده می‌شود. مثال‌هایی از تحلیل منطقی و عقلانی در یک پژوهش کیفی درآورده شده است. حجم نمونه‌ها در این پژوهش به دو بخش جامعه و معماری دسته‌بندی شده است. در خصوص حجم نمونه در بخش اول (جامعه)، با توجه به اینکه اطلاعات اجتماعی در نوشتارهای حوزه تخصصی معماری ناچیز و ناقص می‌باشد، لذا عمده ساختار بخش اول مقاله با استفاده از شیوه انتخابی از طریق کتاب‌ها و مقالات حوزه اجتماعی معاصر گردآوری و تدوین شده است. سعی شده است تا منابعی انتخاب گردد که بتواند مستقیماً عوامل مداخله‌گر و تأثیرگذار در حال و هوای معماری معاصر را تشریح نمایند. از این جهت پژوهشگر با دیدگاهی "انتخاب‌گر" این آثار را گزینش و بکار برده است؛ اما در بخش دوم (معماری)، استنادات کاملاً تخصصی و متعلق به حوزه معماری می‌باشد. این بخش با استفاده از روش تمام شماری با مطالعه و به‌کارگیری تمامی کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه تشریح احوالات معماری معاصر ایران برآمده‌اند، تهیه شده است. با توجه به اینکه حاصل کار در این پژوهش ساختاری کلی برای جامعه و معماری در دوره تاریخی معاصر حال و هوای معمارانه جامعه ایران معاصر در بازه‌ای حدوداً ۳۰ ساله را در دستور کار دارد، لذا از استناد به یک بنا یا معمار یا سبک خاص پرهیز شده است.

جدول ۱: مثال‌هایی از استنتاج منطقی معماری برآمده از عوامل اجتماعی

عامل اجتماعی	تأثیر عامل اجتماعی در معماری
افزایش مهاجرت به شهرها	حاشیه‌نشینی و معضلات شهری
افزایش جمعیت	نیاز به تأمین مسکن
افزایش ثروت در جامعه	نیاز به تأمین فضاهای آموزشی، درمانی و ...
ترویج ایدئولوژی اسلامی در جامعه	ترویج لوکس‌گرایی در تمامی عرصه‌ها
تغییر مناسبات اجتماعی مدرن در عرصه رسانه	ترویج ایدئولوژی اسلامی در جامعه
	تغییر مناسبات اجتماعی مدرن در عرصه رسانه
	ترویج معماری ژورنالی - معماری عکاسی

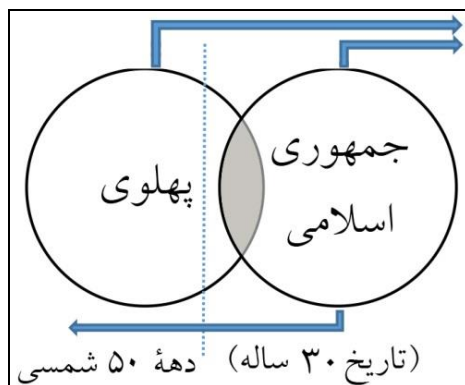
Source: Research Findings, 2020

اطلاعات تاریخی مورد نظر پژوهش در دوره تاریخی معاصر به ۳ دوره کلی قابل دسته‌بندی است. همچنین با توجه به موضوعیت معماری در پس عوامل اجتماعی، سعی شده است تا تاریخ معماری به عنوان زیرمجموعه‌ای از هر دوره بحث گردد. این ۳ دوره تاریخی عبارت‌اند از:

الف) جامعه ایران در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷: رخدادهای اجتماعی در بازه شکوفائی دهه ۴۰ تا سال ۱۳۵۶ را دربر می‌گیرد.

ب) جامعه ایران در انقلاب ۱۳۵۷: جامعه ایران در سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۶ که آتش انقلابیون بسیار شعله‌ور است را شامل می‌شود.

ج) جامعه ایران در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷: جامعه انقلابی و جنگ‌زده‌ای که از سال ۱۳۵۸ تا حدود سال ۱۳۷۰ دگرگون شده است.



شکل ۱. همپوشانی وقایع تاریخی- اجتماعی در دهه‌های اولیه قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷
Source: Research Findings, 2020

الف) جامعه ایران در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷

اطلاعات گردآوری شده در این بخش، جامعه ایران قبل از انقلاب ۱۳۵۷ را از سال‌های ۱۳۴۰ تا انقلاب ۱۳۵۷ تشریح می‌کند. جامعه ایران در دهه ۴۰ شاهد تلاش همه‌جانبه حکومت برای مدرنیزاسیون کشور در همه ابعاد بود، این امر موجب تحولات بسیار شد (Alizadeh and Ghaderi, 2014). دوران پهلوی دوم، بویژه پس از انقلاب سفید، زمان «تثبیت» مدرنیزاسیون- باز هم از بالا به پایین- است: تحولات تحمیلی انقلاب «شاه و مردم»، حضور نامحدود عوامل خارجی، توسعه آموزش مدرن از سطوح پایین تا دانشگاه‌ها و رشد بوروکراتیک دولت و خدمات دولتی، مدرنیته بدواً تحمیلی را بتدریج در جامعه نهادینه می‌کند (Nari Qomi, 2013). در این دوره بر اساس برنامه نوپردازی (مدرنیزاسیون)، سبک زندگی مدرن در اولویت هرگونه تحول در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار می‌گرفت (Moazami and Hojjat, 2017). در آن زمان ایران در حال صنعتی شدن و مدرن شدن بود. تهران در درون محدوده شهری خود، ظاهراً به شهری پرتحرک و پر زرق و برق تبدیل شده بود؛ شهری مملو از مراکز خرید مدرن، بانک‌ها، رستوران‌ها، سینماها و کاباره‌ها (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017). دهه‌های چهل و پنجاه، سال‌های جهش به پیش در همه زمینه‌ها بود، ... زیربنای مدرن تهران از سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شکل گرفت و توسعه پیدا کرد؛ در این سال‌ها بود که تهران با ساخت چندین هتل بزرگ، بیمارستان، بانک، مراکز اداری و تجاری و یک تالار آپرا به متروپولی بین‌المللی تبدیل شد (Shaygan, 2016: 121).

▪ اقدامات پهلوی دوم: مهمترین اقدامات دولتی که در زمان پهلوی دوم، بر طبقات اجتماعی، شهر و سیمای شهری بیشترین تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم را گذاشتند: ۱- ملی شدن صنعت نفت و بالا رفتن قیمت نفت، ۲- انقلاب سفید و اصلاحات ارضی در اوایل دهه چهل، ۳- تصویب و اجرای اولین طرح جامع ۲۵ ساله شهری در

اواسط دهه چهل (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017). اولین طرح‌های جامع شهری، در نیمه دوم دهه ۴۰ به تصویب رسید (معظمی و حجت، ۱۳۹۶). در شرایطی که اصلاحات ارضی مناطق روستایی کشور را تغییر میداد، برنامه‌های توسعه پنج ساله نیز که در سازمان برنامه و بودجه طراحی شده بود، انقلاب صنعتی کوچکی را به همراه داشت، ... مرور آمارهای کلیدی تولید عملاً گستره این انقلاب صنعتی را نمایان می‌کند (آبراهامیان، ۱۳۹۵، ۲۴۱). بگونه ای که رژیم پهلوی دوم در سال ۱۳۵۵ ادعای کند که در پایان این دهه، استاندارد زندگی در ایران از سطح زندگی در اروپای غربی بالاتر خواهد رفت و در پایان سده کنونی، ایران یکی از پنج غول صنعتی جهان خواهد بود (Ansari, 2016: 68). درآمد حکومت پهلوی دوم از اواخر دهه ۱۳۴۰ بصورت شگفت آوری رو به فزونی نهاد، ... در پی این درآمد، دولت تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز بازار داخلی، ... را در برنامه خود قرار داد؛ بنابراین ایران به دنبال سرمایه گذارهای دولتی هنگفت، در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ شاهد انقلاب صنعتی کوچکی بود (Ansari, 2016: 68). در این مقطع زمانی که از انقلاب سفید در سال ۱۳۴۰ آغاز و تا انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ ه.ش. تداوم یافت، کشور در مقایسه با توسعه سیاسی از توسعه اقتصادی- اجتماعی قابل توجهی برخوردار شد؛ به عبارت دیگر، این مرحله اوج شکوفایی سرمایه داری وابسته است (Ismaili and Bayani, 2010). آخرین نشانه‌های تکنولوژی از سوی محمدرضا شاه، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و تغییر تقویم ایران از خورشیدی به شاهنشاهی بود (Hassanpour et al., 2016). دولت در اجرای برنامه‌های اجتماعی روبه جلو بود. شمار موسسات آموزشی پس از انقلاب سفید سه برابر شد، ... سواد آموزی توسط سپاه دانش، ... افزایش جمعیت کشور به موجب ارتقای سطح سلامت، رفع قحطی و بیماری‌های واگیردار جمعیت ایران در سال ۱۳۴۵: ۲۵/۷۸۸/۷۲۲ میلیون نفر؛ جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵: ۳۳/۷۰۸/۷۴۲ میلیون نفر؛ جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵: ۴۹/۴۴۵/۰۱۰ میلیون نفر (Statistics Center of Iran, 2019)، ... و توجه ویژه به جایگاه و مساله زنان در جامعه از مهم‌ترین تحولات اجتماعی این دوره بشمار می‌روند (Abrahamian, 2016: 244).

▪ نفت: محمدرضا پهلوی از مزیت افزایش قیمت نفت برای آغاز برنامه‌های جدید و پر سروصدای تمدن بزرگ، بهره برد. مطابق این برنامه، آینده ایران بسیار باشکوه تر از گذشته- از جمله دوران هخامنشی، ساسانی و پارتیان- میشد؛ استاندارد زندگی در ایران، اروپا را پشت سر میگذاشت؛ شیوه زندگی تازه ای برتر از روشهای سرمایه داری و کمونیسم به جهان ارائه میشد؛ و همچنین ایران طی یک نسل به جایگاه پنجمین قدرت جهان- پس از آمریکا، شوروی، ژاپن و چین- دست می یافت (Abrahamian, 2016, 239). از منظری دیگر افزایش درآمدهای نفتی ارتباط مستقیمی با افزایش بودجه‌های آموزشی کشور و رشد تعداد باسوادان داشت (Dehghannejad et al., 2016). دولت پهلوی با بالا رفتن قیمت نفت به توسعه صنعتی و سرمایه داری روی آورد و تهران به شهری مدرن با فروشگاه‌های بزرگ، موسسات و ادارات مالی گسترده، مراکز فرهنگی و تفریحی بدل شد (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017). سرازیر شدن درآمدهای نفتی به ایران (جدول ۲)، بخصوص در نیمه اول دهه ۵۰ ه.ش، ... چنان فضای کشور را مملو از ثروت بادآورده کرد که مطبوعات را نیز تحت تأثیر قرار داد (Dehghannejad et al., 2016). رونق

درآمد نفت «نابرابری» و «فساد» را به یک نقطه جوش رسانده بود، ... این نابرابریها به ویژه در تهران کاملاً محسوس بود. ثروتمندان شهر در کاخهای منطقه شمالی شهر زندگی میکردند در حالیکه فقرا در آلونکهای حلبی آبادها بدون هیچگونه امکانات عمومی، ... به سر میبردند (Abrahamian, 2016, 253). طبقه متوسط شهری تهران در آن زمان، شامل طبقه متوسط سنتی (روحانیون و بازاریها) و طبقه متوسط جدید (کارمندان حقوق بگیر دولت، دانشجویان، روشنفکران، مهندسان و ...) می شد. مراکز تفریحی ای که برای جوانان در نظر گرفته شده بود، عمدتاً در تضاد با ارزشهای طبقه متوسط سنتی بودند و بیشتر در جهت ایجاد فضایی غربی، سکولار و مصرف گرا بودند. به این ترتیب استفاده از تفریحات متعارف ظاهراً حقی عمومی بود، ولی عملاً طبقات متوسط سنتی از آنها بهره نمی بردند (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017).

جدول ۲: درآمد نفتی ایران از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۵

سال	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۷	۱۳۵۰	۱۳۵۳	۱۳۵۵
درآمد نفتی	۴۳۷ میلیون دلار	۵۵۵ میلیون دلار	۹۵۸ میلیون دلار	۱/۲	۵	۲۰
				میلیارد دلار	میلیارد دلار	میلیارد دلار

Source: Research Findings, 2020

رونق درآمدهای نفتی فرصتی برای طبقه متوسط سنتی بازاریان و پیشه وران مالک (زمین داران) فراهم کرد تا از طریق آن منابع مالی مراکز دینی را تأمین و دبیرستانهای خصوصی تاسیس کند که در آن بر اهمیت اسلام تأکید میشد، ... بدین ترتیب، درآمد نفت در خدمت رونق و پرورش سنت قرار گرفت (Abrahamian, 2016: 250). مراکز خرید جدید با شعبات متعدد خود در سطح شهر، منافع بازاریان مرکز شهر را تهدید میکردند، هرچه بر زرق و برق مراکز جدید خرید افزوده میشد، از رونق و نشاط بازار سنتی، کاسته میشد و آنچه که از بازار و خیابانهای اطرافش برجا ماند، بافتی فرسوده بود که مشتریهای بسیاری را از دست داده بود (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017). در هر حال ایران در دوره پهلوی با وجود ثروتهای هنگفت نفتی در طول سالهای ۱۳۵۷-۱۳۴۰، بویژه در اواخر این دوران، بواسطه بی توجهی به واقعیتهای داخلی و خارجی نتوانست به توسعه سیاسی-اقتصادی دست پیدا کند، زیرا الگوی توسعه کشور پیش از آنکه متناسب با شرایط داخلی باشد، طبق ساختارهای کشورهای توسعه یافته تدوین گردید (Ismaili and Bayani, 2010). استمرار برنامه های نوگرایانه در کشور، ... با استفاده از درآمدهای نفتی، به دنبال بهبود وضعیت کشور بود؛ اما به واسطه تاثیرات سوئی که درآمدهای نفتی بر تمرکزگرایی مالی و سیاسی دولت داشت، به توسعه کشور منجر نشد. این برنامه ها با اتکاء به درآمدهای نفتی، در زمینه های فرهنگی و اجتماعی، موجب بهبود وضعیت آموزش و حمایت از رسانه ها، به ویژه مطبوعات شد، ... حکومت با استفاده از درآمدهای نفتی، برای باسواد شدن افراد جامعه برنامه ساخت مدرسه و دانشگاه، ... را اجرا کرد (Dehghannejad et al., 2016).

مهاجرت: برخلاف پیش بینی برنامه ریزان، اصلاحات ارضی در دهه ۴۰، توزیع عادلانه زمین و درآمد را بین روستاییان حاصل نکرد و روستایی فاقد زمین را ناچار به مهاجرت به شهرها نمود؛ لذا از دل اصلاحات ارضی، بحرانهای جدیدی، در جامعه روستایی و کشاورزی و متعاقب آن در جامعه شهری، پدیدار شد (Moazami and Hojjat, 2017). بیشترین میزان مهاجرت از مقدار جابجایی ها، به تهران صورت گرفته است. تا سال ۱۳۵۶ حدود ۵۰

درصد کل مهاجران کشور جذب تهران شده بودند (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017). از جمله تحولات بحران زایی که بدون فراهم بودن بستر مناسب از دهه ۴۰ شمسی در بسیاری از شهرهای ایران رخ داده، مساله مهاجرت بوده‌در هر دو موج گسترده مهاجرت روستا به شهر (بعد از اصلاحات ارضی و بعد از انقلاب اسلامی) با جریانهای مشابه مواجهیم که به دنبال خود بحران مدنیت را به ارمغان آورده و این بحران موجب تغییرات و تحولاتی عمیق در معماری شده است (Moazami and Hojjat, 2017).

جدول ۳: وضعیت غالب جامعه در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷

جامعه ایران	جامعه
تلاش همه جانبه حکومت برای مدرنیزاسیون کشور در همه ابعاد	مدرن
«تثبیت» مدرنیزاسیون و سبک زندگی مدرن	
توسعه آموزش مدرن در دانشگاهها، دولت و خدمات دولتی	
آغاز برنامه‌های جدید و پر سروصدای تمدن بزرگ	
زیربنای تهران مدرن (متروپول بین المللی) و رونق پروژه‌های عمرانی	
حضور نامحدود عوامل خارجی، اوج شکوفائی سرمایه داری وابسته	
آغاز اعتراض به مدرنیته و مبارزه با غربزدگی در سطح روشنفکران جامعه	
هدایت مازاد سرمایه و نیروی کار به محیط ساخت و ساز	
گران شدن زمین و هزینه‌های زندگی در تهران، خرید و فروش زمین یکی از سودآورترین مشاغل	
درآمد سرشار حکومت از نفت، سرمایه گذارهای دولتی هنگفت	
ایجاد سکونتگاه‌های شهری فقیرانه با نازل ترین کیفیت و امکانات در خارج از محدوده استحفاظی طرح جامع در حومه	
شهرهای بزرگ	
انقلاب صنعتی کوچک	
میل به جهانی شدن جامعه، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله	
بالا رفتن سطح استاندارد زندگی در ایران و رشد دیدگاه اومانستی در جامعه	
تغییر تقویم ایران از خورشیدی به شاهنشاهی	

Source: Research Findings, 2020

ساخت و ساز و شهرنشینی: از دهه ۱۳۴۰ شهر تهران دستخوش طبقه بندیهای اجتماعی و فضایی میشود. از این زمان خانواده‌های بزرگ تهرانی خانه‌های زیبای قدیمی خود را در مرکز شهر ترک می کنند و به طور دایم در ویلاهای جدید شمال شهر سکنی میگزینند. در حوالی دهه ۱۳۵۰ شهر تهران که تابستانها به دلیل گرمای خفقان آورش متروک میشد، به بیلاقات شمیران متصل گردید، ... این صعود محلات مرکزی و بسیار ثروتمند به شمال شهر موجب جدایی اجتماعی و سپس گسستگی سیاسی شد (Ansari, 2016: 69). در دهه ۵۰ به دلیل گران شدن قیمت نفت، بودجه کشور سه برابر شد و با اعمال سیاست توسعه سریع در آن زمان پروژه‌های عمرانی رونق گرفت (Hassan Khani et al., 2019, 11). در عین حال در سال ۱۳۵۰ دولت ناگزیر در مقام چاره جوئی برای اسکان ۲/۵ تا ۳ میلیون نفر جمعیت در شهرهای کشور قرار گرفت؛ کاری که با حفظ کیفیت معماری عملی نبود (Mokhtari Taleghani, 2011: 163). با افزایش قیمت نفت و سرازیر شدن پولهای حاصل از فروش نفت به ایران، ... ایران نیز به مانند فرانسه و آمریکا، برای حل مساله مازاد سرمایه، به توسعه زیربنایی روی آورد، ... مازاد سرمایه و مازاد نیروی کار بطور فزاینده ای به محیط ساخت و ساز هدایت شدند و بافت شهری تهران با سرعتی بیش از پیش رشد کرد. ساخت و سازهای جدید که بر شکوفائی نفتی دهه ۵۰ متکی بود، در اشکال متفاوتی از

ساختمانهای کوتاه مرتبه تا بناهای بلند مرتبه و از مجتمع‌های واحد تا شهرکهای بزرگ صورت میگرفت (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017). به همراه گران شدن زمین و هزینه‌های زندگی در تهران، فقیرانه ترین سکونتگاه‌های شهری نیز با نازل ترین کیفیت و امکانات، در خارج از محدوده استحقاقی طرح جامع، در حومه شهر بنا شدند (Sheriff and Sedighi Kasmaei, 2017). تهران بالاترین جریان مهاجران روستایی را به خود جذب کرد. جمعیت این شهر از ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۳۲ به ۵/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت (Abrahamian, 2016: 251). با افزایش شهرنشینی در این دوران، فعالیتها در بخش ساختمان نیز به طور فزاینده ای بیشتر شد و در نتیجه خرید و فروش زمین و ساختمان در شهرکهای بزرگ به سودآورترین و پررونق ترین فعالیت شهری تبدیل گشت (Alizadeh and Ghaderi, 2014). پیدایش و رواج شیوه بساز و بفروش در طراحی بناهای مسکونی به ویژه پس از سال‌های ۱۳۴۰، ... به تبع رشد جمعیت، از رونق افتادن اقتصاد روستایی، مهاجرت روستاییان به شهرها و گسترش شهرنشینی و ویژگی‌های این دوره است (Ansari, 2016: 88).

جدول ۴: وضعیت غالب ساخت و ساز و شهرنشینی در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷

جامعه و شهرنشینی
هتل‌های بزرگ، بیمارستان، مراکز اداری، مراکز خرید مدرن، بانک‌ها، رستوران‌ها، سینماها، کاباره‌ها، مراکز فرهنگی و تفریحی
تضاد ارزش‌های طبقه متوسط سنتی با مراکز جدید تفریحی
ایجاد فضای غربی، سکولار و مصرف‌گرا
ایجاد مراکز دینی توسط طبقه متوسط سنتی بر اساس درآمدهای نفتی جامعه و رونق بازار
رونق زرق و برق مراکز جدید خرید، کاهش رونق و نشاط بازار سنتی
تصویب طرح‌های جامع شهری
افزایش جمعیت کشور ناگزیر بودن حکومت برای اسکان ۳ میلیون نفر در شهرها
توجه ویژه به جایگاه و مساله زنان در جامعه
آغاز و تشدید مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ-تهران
زندگی ثروتمندان در کاخ‌های منطقه شمالی شهر
زندگی فقرا در آلونک‌های حلیی آبادها

Source: Research Findings, 2020

دانشکده‌های معماری: به تبع شرایط جهانی، آموزش معماری در ایران با بحث‌های نظری و نقادی‌های اجتماعی آمیخته شد که ردپای آن در پایان نامه‌های دانشجویی همان دوران دیده میشود. این پایان نامه‌ها معطوف به موضوعاتی با حساسیتهای فرهنگی و اجتماعی بود که عناوینی نظیر بازسازی روستاها و نظایر آن را دربرداشت (Ansari, 2016, 88). سیستم جدیدی که از سال ۱۳۴۸ در دانشکده هنرهای زیبا پیاده شد، به عکس سیستم قبلی که از ایده «معماری هنر است» پیروی میکرد، از روش و تئوری «معماری و جامعه» عملکردگرائی، عامل «بیان و اندیشه» در معماری و در نهایت «فضای اجتماعی و فضای معماری» پیروی میکرد (Bavar, 20009: 219). این اتفاقات انقلابات دانشجویی در آمریکا و اروپا در اعتراض به کاپیتالیسم و امپریالیسم اقتصادی، نظامی گری، مصرف زدگی و بی هویتی و ... که معماری را منبعث از بستر اجتماعی و فرهنگی خود می دانست در نهایت به تغییراتی در سرمشق مسلط بوزاری آموزشی معماری در بسیاری از مدارس جهان انجامید. در نظام آموزشی ایران

اعتراضات به نظام بوزاری به همان شدت اعتراضات جهانی صورت نگرفت ولی دانشکده هنرهای زیبا در نظام آموزشی خود دستخوش تغییراتی گردید (Ansari, 2016: 76).

در سال‌های شکوفائی تکنولوژی و معماری، توجه به جنبه‌های اجتماعی معماری با برگزاری کنگره‌های تخصصی معماری به اوج خود رسیده بود: کنگره اول (۱۳۴۹) با عنوان امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمان، کنگره دوم (۱۳۵۳) با موضوع نقش معماری و شهرسازی در کشورهای صنعتی و نخستین کنگره بین‌المللی زنان آرشیستک (۱۳۵۵) با موضوع بحران هویت در معماری هر سه جریانی را شکل دادند که به تبعیت از فضای نظری روزگار خود معطوف به احیای ارزش‌های بومی و ملی و تلاش در بازشناسی اصول و مبادی معماری ایرانی بود (Ansari, 2016: 79). در این زمان در حوزه فرهنگی و هنری بحث‌ها اکثراً در جهت مبارزه با غربزدگی و عدم سیطره روح غرب بر روح معنوی ایرانیان بود. افرادی چون دکتر علی شریعتی و دکتر سید حسین نصر و دیگر اندیشمندان از مجله‌های مختلف آن زمان، دل سپردن به غرب را در شان ملت بزرگ ایران نمی‌دانستند (Hassanpour et al., 2016). بحث بر سر ارزش‌های بومی بیشتر معطوف به جنبه‌های انسانی معماری بود تا جنبه‌های اعتقادی (Ansari, 2016: 79). فرح دیبا که کنگره‌های بین‌المللی معماری ایران با حمایت وی صورت می‌گرفت در ملاقات معماران خارجی و دست اندرکاران دومین کنگره معماران ایران می‌گوید: آنچه میسازیم برای انسان است و باید از انسان آغاز گردد، زیرا انسان معیار همه معیارهاست. در این گفته، دیدگاه اومانستی فرح و دربار نسبت به معماری ایرانی و ارزش‌های آن کاملاً مشهود است (Ibid., 2016, 92).

معماری در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷: با کودتای سال ۱۳۳۲ و تثبیت اقتدار حکومت مرکزی و افزایش درآمد نفت، همزمان فعالیت ساختمانی فزونی یافت و ارتباط با کشورهای غربی گسترده تر شد. بسیاری از شرکت‌های مهندسان مشاور و معماران نام‌آور بین‌المللی مسئولیت طرح‌های بزرگ را به عهده گرفتند و یا برای ایراد سخنرانی و شرکت در کنفرانس‌های معماری به ایران دعوت شدند (Ghobadian, 2013: 291). از نیمه دهه چهارم عصر پهلوی، با رونق اقتصادی و بالا رفتن درآمد دولت، معماری دولتی دوباره شکوفا می‌شود. در این مرحله، به خاطر مانوس بودن معماری ایرانی - اسلامی معماری دولتی بیشتر تحت الشعاع معماری ایرانی اسلامی قرار می‌گیرد تا معماری باستانی و در کنار آثار متکی به هنر اصیل معماری ایران به خاطر هجوم تکنیک معماری غرب به ایران - آثار خالی از هر نوع سبک ملی نیز به وجود می‌آید، ... مشخصه معماری زمان پهلوی دوم معماری ایرانی - اسلامی است و معماری مدرن غرب (Mokhtari Taleghani, 2011: 238). از اواسط دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۵۰، سعی حاکمیت در اجرای طرح‌هایی بود که بتواند جهش اقتصادی سریعی را (بر اساس ایده کندی در آمریکا) به تماشا بگذارد. از اینرو در این مقطع، نوپردازی از بالا به شکلی پرفشار، ادامه می‌یابد و معماری و شهرسازی، بی‌توجه به تفاوت‌های فرهنگی، میل به جهانی شدن دارد و رویاپردازی در تدارک جشن‌های دوهزار و پانصد ساله در تخت جمشید و ... به اوج خود میرسد. در این دوره، ملاک «سرعت عمل» در اجرای طرح‌ها، اولویت آن‌ها را مشخص می‌سازد (Moazami and Hojjat, 2017).

در این میان اندیشه‌های نوین و نگرشهای بازگشت به اصالت‌های قومی، سنتی و خاطره‌های تاریخی نیز مجال تحقق در قالب آثار معماری را پیدا نمودند (Ansari, 2016: 78). تلاش برای بازگشت به معماری و مفاهیم گذشته ایران، در دهه ۵۰ و ۶۰ در ایران بسیار قوی می‌شود و معمارانی که بسیاری از آن‌ها خارج از ایران تحصیل کرده‌اند این تفکر را شکل می‌دهند که نشان از آن دارد که برگشت به گذشته تاریخی تنها متعلق به تفکر سنتی داخلی ایران نیست بلکه یک رویکرد در کل جهان است (Tayefeh, 2011: 13). معماری ایران که تا اواخر دهه ۱۳۴۰ بیشتر متأثر از مکتب مدرنیسم و سبک بین‌المللی شکل گرفته بود از این دوره شاهد رویکرد دیگری بود، رویکردی که سعی داشت نگاهی نوین را به سنن معماری و معماری بومی دنبال نماید (Ansari, 2016: 70).

جدول ۵. وضعیت غالب معماری در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷

جامعه و معماری
دانشگاه‌ها
افزایش شمار مؤسسات آموزشی، رشد تعداد باسوادان و رونق مطبوعات
افزایش بودجه‌های آموزشی کشور، ساخت مدرسه و دانشگاه
پایان نامه‌های دانشگاهی معطوف به موضوعاتی با حساسیتهای فرهنگی و اجتماعی
آموزش معماری بر اساس معماری و جامعه - فضای اجتماعی و فضای معماری
برکناری هوشنگ سیحون از ریاست دانشکده هنرهای زیبا
توجه به جنبه‌های اجتماعی معماری با برگزاری کنگره‌های تخصصی معماری با هدف «احیای ارزش‌های بومی و ملی»
افزایش ارتباط معماری با کشورهای غربی، حضور شرکتهای مهندسان مشاور و معماران نام‌آور بین‌المللی برای طرحهای بزرگ یا سخنرانی و شرکت در کنفرانسهای معماری
«سرعت عمل» در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی
آغاز نگرشهای بازگشت به اصالت‌های قومی، سنتی و خاطره‌های تاریخی و تاریخی‌گرایی
نگاهی نوین به سنن معماری و معماری بومی - رویکردی جامع در کل جهان
تبیین مبانی نظری معماری ایرانی - تشریح مبانی عرفانی سنت معماری ایران - هویت طلبی مذهبی
دوران تعالی معماری مدرن
طرح و اجرای پروژه‌هایی با زمینه معماری اجتماعی - دیدگاه انسان‌گرا
معماری فوق لوکس قشر اشراف زادگان وابسته به دربار بر اساس مولفه‌های فوق مدرن غربی

Source: Research Findings, 2020

عصر طلائی معماری مدرن در ایران در این دوره است. معماری مدرن در دوره اخیر تحت لوای مدرن متعالی و متاخر ظاهر می‌شود و تعداد بسیار زیادی ساختمان به این دو سبک معماری ساخته می‌شود (Ghobadian, 2013: 291). از طرفی تبیین مبانی نظری معماری ایرانی توسط معمارانی مانند اردلان و دیبا، ...، تالیف کتاب "حس وحدت" توسط اردلان با همکاری لاله بختیار، ...، تشریحی از مبانی عرفانی سنت معماری ایران، ...، در نقطه مقابل آموزه‌های مدرنیستی (Ansari, 2016: 79).

طیف آثاری که کامران دیبا در طول دوره فعالیت خود به جای گذاشت نشان از تمایلات قوی وی در عرصه معماری ای را دارد که با توجه به مقیاس و کاربری این طرح‌ها و ابنیه میتوان از تعبیر "معماری اجتماعی" برای آن استفاده کرد، ...، متأثر از توجهی واضح به نقش ویژه تعاملات و رفتارهای اجتماعی انسان در موقعیتی خاص، بومی و منطقه ای، ...، پروژه شوشتر نو (Ansari, 2016: 80). دیدگاههای انسان‌گرای کامران دیبا را میتوان به خوبی در طراحی مسکن و عوامل تاثیرگذار در آن مشاهده کرد، ...، جست و جو برای حصول معماری مدرنی عجین شده با سنت و

تاریخ ایران و تصویری آشنا و برگرفته از فرهنگ بومی و محلی در کنار فرهنگ جهانی، هدف دیبا است (Khanizad and Ehsani Moayed, 2014, 10). در نیمه دوم این دوره پهلوی دوم میتوان شاهد پیدایش نقد به معماری مدرن و نوعی هویت طلبی در معماری بود که با پیدایش انقلاب اسلامی این هویت طلبی شکل دیگری به خود یافت و وجه نظر خویش را هویت مذهبی قرار داد (Ansari, 2016: 88). در دهه ۱۳۵۰ اصرار بر لزوم احراز هویت معماری با تاریخ‌گرایی همراه است (Mokhtari Taleghani, 2011: 184).

ب) **جامعه ایران در انقلاب ۱۳۵۷:** در انقلاب ۱۳۵۷ گروه‌های حاشیه‌نشین شهری که امام خمینی آن‌ها را «مستضعفین» می‌نامید، مهمترین ارتش اجتماعی روحانیت را تشکیل دادند (سازماندهی مستضعفین از طریق مساجد و بازار) (Bani Massoud, 2010: 336). انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بنیانهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را دگرگون کرد. تا قبل از وقوع انقلاب، ایران رابطه‌ای نزدیک با دولتهای غربی داشت و با پول سرشار نفت، ساخت و سازهای بسیار گسترده با کمک این دولتها در کشور در حال اجرا بود. ولی در ظرف کمتر از چندماه، اکثر قریب به اتفاق این پروژه‌ها متوقف شد و ارتباط با جهان غرب کاهش یافت. ضوابط اسلامی بر جامعه حکم فرما گردید. هنجارهای فرهنگی مذهبی مورد تاکید قرار گرفت و هنجارهای غربی نکوهش شد. قراردادهای دولتها و شرکتهای خارجی، بالاخص غربی، یکی پس از دیگری ملغی شد. آمریکاییان و اروپاییان که از چندماه قبل از سقوط شاه در حال ترک ایران بودند، پس از وقوع انقلاب با سرعت بیشتری ایران را ترک کردند (Ghobadian, 2013: 295). انقلاب ۱۳۵۷ درست در سالی اتفاق افتاد که برای نخستین بار در طول تاریخ ایران، جمعیت شهری از ۵۰ درصد کل جمعیت گذشت و شهرنشینی وجه غالب حیات اجتماعی ایرانیان شد (Alizadeh and Ghaderi, 2014). این دوره، سال‌های شلوغیهای انقلاب، شور و هیجان و تولید حداقلها است (Saremi, 1389: 241). حقیقت این است گسستی که انقلاب ۱۳۵۷ در تاریخ و جامعه ایران بوجود آورد، بانی حرکت جدید در کلیه شئون زندگی مردم شد که سازندگی نقش اساسی و مهمی در آن ایفا می‌کند (Bavar, 2009: 474). اساسی‌ترین اصطلاحات در گفتمان عمومی موضوعاتی نظیر امپریالیسم، مستضعفان، جهاد، مجاهد و شهید، خویش‌ن، انقلاب و غربزدگی را در برمیگرفت (Abrahamian, 2016: 327).

در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی و در نبود نظام تعریف شده مدیریت شهری، مهاجرین به دنبال کار و در پی یک زندگی بهتر به سوی شهرها روی آوردند. با استقرار این مهاجرین، حاشیه‌نشینی در کنار شهرهای بزرگ در مقیاسی وسیع، اتفاق افتاد. در این سالها، عمده تلاشها صرف آبادانی روستاها و پاسخگویی به نیازهای اقشار محروم شد. لیکن پدیده مهاجرت به شهرها، همچنان استمرار یافت. شهر در درون خود آستن ساخت و ساز گسترده مسکونی (بدون تبعیت از الگویی مناسب) شد. با رشد سرسام آور و بدون برنامه شهر، مسکن شهری در سال ۱۳۵۹، به بحران تبدیل شد (Moazami and Hojjat, 2017). در انقلابی که با شعار حمایت از مستضعفان پا گرفته است، «گود»ها، «کپر»ها، «حلبی آباد»ها و ... طبیعتاً علامت سؤال و آزمون بزرگی برای این آرمانهاست، ... اگرچه در گیرودار این آشفتگی انقلاب ۱۳۵۷، تلاشهایی برای منسجم سازی جامعه تخصصی ساختمان شروع میشود و خبر

تشکیل جلسات تدوین قانون نظام معماری در تیر ۱۳۵۸ منتشر میشود، ... معظلی بوروکراتیک، ... با تثبیت نسبی انقلاب، دوباره رخ مینماید و اراده مدیران «رابطه ای» را بر تفکر «ضابطه ای» (دانش تخصصی) حاکم می‌کند. به این ترتیب سیستم، به سمت گزینش، افراد «همسازتر با سیستم» بجای «کارا تر برای جامعه» می‌رود، ... به این صورت دوران نظریه‌ها و شور انقلابی به تدریج در گرد و غبار جنگ ناپدید میشود و شرایط اضطراری، عملگرایی را بر همه امور حاکم می‌کند؛ اما لحظه حساس این گسست نظر و عمل، جنگ نیست، بلکه «انقلاب فرهنگی» است (Nari, 2013).

در انقلاب ۱۳۵۷ تظاهرکنندگان خشمگین، ... به دلایل خاصی به اموال و اماکن معینی حمله میکردند: به ادارات پلیس، ... که نماد حکومت پهلوی بودند؛ به هتلهای لوکس که در خدمت ثروتمندان و سرمایه داران داخلی و خارجی بودند؛ به محلهای نمایش فیلمهای مستهجن که اصول اخلاقی بازاریان طبقه متوسط را نادیده میگرفتند؛ به بانکها که به حرام بودن ربا در اسلام توجه نمیکردند، علیه بازرگانان جزء تبعیض قائل میشدند و مهمتر اینکه در مالکیت خانواده سلطنتی، دولت و ثروتمندان قرار داشتند (Abrahamian, 2017: 625). در جریان انقلاب، برخی مراکز خرید مدرن، برخی بانکهای دولتی و برخی سینماها و اغلب مراکزی که وجودشان مخالف شرع اسلام بود- مثل کاباره‌ها، مشروب فروشی‌ها و محله‌های شهر نو در آتش خشم انقلابیون سوختند (Sheriff and Sedighi, 2017). در جدول ۶ تلخیصی از وضعیت غالب جامعه ایران در انقلاب ۱۳۵۷ آمده است.

جدول ۶: وضعیت غالب جامعه در انقلاب ۱۳۵۷

جامعه ایران در انقلاب ۱۳۵۷
گروههای حاشیه نشین شهری (مستضعفین)، مهمترین ارتش اجتماعی روحانیت است
توقف اکثر پروژه‌های عمرانی، کاهش یا قطع ارتباط با جهان غرب
تاکید بر هنجارهای فرهنگی- مذهبی (اسلامی) و نکویش هنجارهای غربی
ترک کشور توسط شهروندان و شرکتهای آمریکایی و اروپایی
توجه به مفاهیمی چون امپریالیسم، مستضعفان، جهاد، مجاهد و شهید، خویشتن، انقلاب و غربزدگی
استمرار پدیده مهاجرت به شهرها
تخریب فضاهانی چون ادارات پلیس، هتلهای لوکس، محلهای نمایش فیلمهای مستهجن، بانکهای دولتی، کافه‌ها، کازینوها، مراکز خرید مدرن، سینماها، کاباره‌ها، مشروب فروشیها و محله‌های شهرنو

Source: Research Findings, 2020

ج) جامعه ایران در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷: اطلاعات گردآوری شده در این بخش، جامعه ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ را تا حدود سال‌های ۱۳۷۰ ه.ش. (بعد از جنگ تحمیلی) به تصویر میکشد. این دوره شکوفائی دوران قبل از انقلاب را نداشته و بحران انقلاب و جنگ ۸ ساله، رمق از جامعه و به تبع آن از معماری و ساخت و ساز گرفته است. در عین حال رخدادهای اجتماعی ناچیزی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در جامعه وجود دارد. نوعی شوک زدگی انقلابی و پس از آن شوک جنگ ایران-عراق منجر می‌گردد تا کمتر توجهی به هریک از ارکان جامعه در میان سیاستمداران وجود داشته باشد، بهتر است اینگونه مطرح شود که: اصولاً فرصتی برای فکر کردن به جامعه وجود ندارد. با این بحرانها، اطلاعات ناچیزی نیز از جامعه آن روزها در دست است، عمده اطلاعات مربوط به انقلاب، تغییر و تحولات سازمانی- حکومتی و میدانهای جنگی در غرب کشور هستند. با اینحال باز میتوان پیامدهائی

اجتماعی از بطن این بحران بیرون کشید (Abrahamian, 2016: 299). نظام جمهوری اسلامی در دهه اول انقلاب از ابتدا به برابری و عدالت اجتماعی به عنوان زیربنای توسعه سیاسی پرداخت و در دوره بعد از جنگ نیز در قالب سازندگی اقتصادی- اجتماعی، گسترش و تجهیز زیرساخت‌های لازم برای توسعه را در دستور کار خود قرار داد (Ghaffari et al., 2018). سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ با دو رویداد بسیار مهم مشخص می‌شود که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه برجای گذاشت: انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ و جنگ ایران و عراق (Alizadeh and Ghaderi, 2014). «اکتفاء به درون» در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب، به واسطه بضاعت اندک داخلی، ... نوعی «سنت گرایی» را در معماری ایران حاکم می‌کند، ... (Nari Qomi, 2013). در آغازین سال‌های شکل‌گیری جامعه اسلامی در ایران بسیاری از افراد غیرروحانی- چپ‌گرایان، ناسیونالیست‌های سکولار و روشنفکران، روحانیون را در مقام پدیده‌ای نابجا و نامناسب در دنیای معاصر، جدی نمی‌گرفتند و بر همین اساس آنان را از اداره یک دولت مدرن ناتوان میدانستند، ... اما حکومت جدید در ایران نه تنها به بقاء ادامه داد بلکه قدرتش را نیز تحکیم کرد (Abrahamian, 2016: 299). در دولت مهندس موسوی (۱۳۶۸-۱۳۶۰) موضوعاتی همچون عدالت اجتماعی و استکبار ستیزی، ... و در دولت آقای رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸) توسعه اقتصادی در اولویت بوده است (Fawzi, 2011). طراحی تمبرهای ویژه سالگرد انقلاب اسلامی بسیار انتزاعی بود و در آن چهره‌های انسانی از صحنه اصلی فاصله داشتند و محور شده بودند. هدف اصلی تمام این اقدامات، تأکید بر اسلامی بودن ایران بود. برخی افراطیون حتی طرفدار حذف نوروز از تقویم رسمی کشور بودند. از دیدگاه آنان، تمام نشانه‌های حاکی از احترام به ایران پیش از اسلام، در حکم شرک و جاهلیت و طاغوتی بود (Abrahamian, 2016: 299). جمهوری اسلامی، ... تعداد زیادی بنیادهای مذهبی شبه دولتی نظیر بنیاد مستضعفان، بنیاد علوی، بنیاد شهید، بنیاد حج و زیارت، بنیاد مسکن و بنیاد مهاجرین جنگی ایجاد کرد (Abrahamian, 2016: 312). در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۵۹ قانون حمایت از خانواده کنار گذاشته شد، حداقل سن ازدواج دختران به سیزده سالگی بازگشت (این سن در دوره پهلوی دوم به پانزده سال افزایش یافته بود، ... زنان از قضاوت محروم و آموزگاران عرفی (سکولار) از نظام آموزشی کشور پاکسازی شدند. قوانین سفت و سختی در خصوص پوشش اسلامی برای مردان و زنان تعیین، ... شدند. مردم به سفرهای زیارت- نه تنها به اماکن متعارف بلکه به زیارت مسجد جمکران- تشویق شدند (Abrahamian, 2016: 311). بعد از انقلاب، زمینه خوبی برای رشد طبقه متوسط جدید فراهم گردید. سیاست‌های آموزشی دولت و گسترش دانشگاه‌های خصوصی و نیمه خصوصی، افزایش میزان باسوادی، افزایش شهرنشینی، تغییر شیوه زندگی و برخی از شاخصه‌ها سبب شکل‌گیری و ظهور قشر جدیدی شده که از سطح آگاهی بالاتری، ... برخوردار بوده‌اند (Fawzi and Ramezani, 2009). طبقه خرده بورژوا، در طول دو دهه ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵ از رشد بسیار بالایی برخوردار شد (و ثوقی و دیگران، ۱۳۹۳). با عدم شناخت و گذری سطحی از مسئله مدرن، اشرافیت نوکیسه ما نیز در پی نوعی تاریخ‌گرایی رفت که حتی مربوط به گذشته ما نیست، چون از نظر ایشان، تاریخ

گذشته ما بوی فقر و عقب ماندگی می دهد و این الگوی تاریخی غرب است که واجد شکوه و جلال است (Fawzi and Ramezani, 2009).

انقلاب فرهنگی: رویداد انقلاب فرهنگی با هدف ایجاد اصلاحات در نظام آموزش عالی کشور به تعطیلی دانشگاهها برای مدت سه سال انجامید (Ansari, 2016: 98). تمام مراکز آموزش عالی و دانشگاهها برای مدت دو سال و اندی تعطیل شدند و سپس با برنامه های آموزشی جدید که بیشتر بر پایه و اساس فرهنگی ملی - سستی استوار بود بازگشایی شدند و آموزش حرفه ای را شروع کردند (Bavar, 2009: 474). انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ و تعطیلی همه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، تاثیرات کمی و کیفی بسیاری در نظام آموزش از جمله: پاکسازی دانشگاهها از عناصر وابسته به بیگانه، ایجاد مرجع برنامه ریزی آموزشی متمرکز بر مبنای امکانات و نیازهای کشور، پیوند دادن حوزه های علمیه با نظام آموزش عالی، هدایت فرهنگی - سیاسی دانشگاهیان به سمت اهداف جمهوری اسلامی، تدوین ضوابط جدید بر مبنای ارزش های انقلاب اسلامی، ایجاد نهاد جهاد دانشگاهی (Bagheri et al., 2013). ممیزی روزنامه، کتاب، فیلم و تلویزیون، ...؛ حذف تصاویر سلطنت از کتابهای درسی؛ ممنوعیت به کارگیری نامهای اروپائی برای افراد؛ حذف اسامی مربوط به پادشاهان از مکانهای عمومی؛ تغییر نام خیابانها و میدانهای مرتبط با پهلوی برقرار شد (Abrahamian, 2016: 310, 311 and 312). وقوع انقلاب فرهنگی در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ و تعطیلی دانشگاهها و تغییر محتوای دروس دانشگاهی، در کنار مهاجرت تعداد قابل توجهی از اساتید معماری که سوابق حرفه ای درخشان و مشخصی داشتند، بنیه علمی و عملی فضای آموزشی را در دهه اول پس از انقلاب آشکار میسازد (Etesam et al., 2013).

جنگ ۸ ساله: امیر بانی مسعود این دوره را «دوره تثبیت نظام» نامگذاری می کند و معتقد است: این دوره از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ خورشیدی را دربر میگیرد (جنگ تحمیلی) (Bani Massoud, 2010: 336 and 337). شرایط اجتماعی کشور پس از جنگ تحمیلی، در رویکرد فراملی و ایدئولوژی محور نظام جمهوری اسلامی تا حد زیادی به رویکرد ملی و مبتنی بر منافع ملی تبدیل شد (Ziaei and Safaei Sangari, 2010). در مدت جنگ، بخش عمده ای از منابع انسانی و اقتصادی کشور متوجه جنگ شد. در پایان جنگ در تیرماه ۱۳۶۷ بسیاری از شهرها، کارخانجات و تاسیسات استانهای غربی کشور با تخریب گسترده مواجه بودند، ... پناهندگان بسیاری از استانهای غربی به سمت داخل کشور، خصوصاً شهرهای بزرگ و بالاخص تهران سرازیر شدند، ... این افراد در خانه های اقوام و یا ساختمانهای خالی و متروکه مستقر شدند (Ghobadian, 2013: 298).

مهاجرت: مهمترین مساله مورد توجه در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ مسائل جمعیتی است که شامل مسائلی چون مهاجرت از سایر شهرها و روستاها به تهران، گسترش حاشیه نشینی، زاغه نشینی و حلبی آبادها در اطراف تهران، افزایش بی رویه جمعیت شهر تهران بر اثر عوامل مهاجرت و افزایش زاد و ولد و ورود و حضور اتباع خارجی می باشد، ... شکی نیست که مهاجرت طی دوره پس از انقلاب تشدید شده است (Alizadeh and Ghaderi, 2014). ضرورت تأمین مسکن برای مهاجران به شهرها و پرهیز از پدیده حاشیه نشینی و تبعات آن، صاحب نظران و مسئولان

را به سوی احداث شهرهای جدید در نزدیکی شهرهای بزرگ سوق داد (Ansari, 2016: 100). دولت که در گذشته مشوق رشد جمعیت بود، در سال ۱۳۶۸ تغییر جهت داد و از اولویت دادن به خانواده‌های دارای دو فرزند سخن گفت (Abrahamian, 2016: 321).

بعد از جنگ: از سال ۱۳۶۸ به بعد، کشور از تفکر دفاعی خارج میشود و به سوی برنامه سازندگی و توسعه اقتصادی در می‌گردد، ... در پرتو این تغییر، دگرگونی سریعی در نظام فرهنگ و معماری رخ می‌دهد و گرایش به تملک مادی در سایه تکیه طرحها بر سرمایه بخش خصوصی، افزایش چشمگیری می‌یابد (Moazami and Hojjat, 2017). تصویب قانون تحریم ایران در کنگره آمریکا در حدود سال ۱۳۷۰، کاهش سرمایه‌گذاریهای خارجی، قیمت نزولی نفت، افزایش بدهیهای خارجی ایران و کاهش درآمدهای ایران و تشدید رکود اقتصادی در کشور را به همراه داشت (Abrahamian, 2016: 323). بازسازی مناطق تخریب شده از جنگ به دلیل سرعت بالا و عدم توجه به تجارب جهانی این نوع فعالیتها، عمدتاً دارای نتایج درخشانی از دیدگاه معماری و شهرسازی نیست و به مانند آنچه پس از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد، سریع تر ساختن، ارزان تر ساختن و بیشتر ساختن جای خود را به در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و بومی، شرایط اقلیمی و گونه شناسی مسکن منطقه در پیش از جنگ داد (Etesam et al., 2013).

ساخت و ساز و شهرنشینی: با تثبیت نسبی کشور در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، حجم عظیم فعالیتهای ساختمانی در بیشتر محله‌های تهران، نشان دهنده سود و منفعت اقتصادی ساخت و ساز بود و به تبع آن پدیده‌هایی مانند مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به تهران، خانه‌های مجردی، حاشیه‌نشینی، تغییر کاربری اراضی شهری و نظایر آن شکل گرفت (Etesam et al., 2013).

جدول ۷. وضعیت غالب جامعه در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷

جامعه ایران
شوک زدگی انقلاب ۱۳۵۷ و جنگ ایران-عراق
توجه ویژه به «اکتفاء به درون»، «سنت گرایی»، «عدالت اجتماعی» و «استکبار ستیزی»
دیدگاههای افراطی سنتی و مبارزه علیه مظاهر «مدرنیسم» و «سلطنت»
تشکیل بنیادهای مذهبی شبه دولتی
بنیاد مستضعفان، بنیاد علوی، بنیاد شهید، بنیاد حج و زیارت، بنیاد مسکن و بنیاد مهاجرین جنگی
کمرنگ کردن حضور زنان در مسئولیتهای اجتماعی و به تبع آن در معماری
افزایش جمعیت مهاجران و شهرنشینی، کپرنشینی و حاشیه‌نشینی مردم جنگ زده
ترویج و تاسیس دانشگاههای خصوصی و نیمه خصوصی
تعطیلی دانشگاهها برای مدت سه سال و تدوین ضوابط جدید بر مبنای ارزشهای انقلاب اسلامی
تخریب قسمت اعظم کارخانجات و تاسیسات زیربنایی و شهرهای غربی و جنوب غربی کشور
برنامه‌های سازندگی و توسعه اقتصادی، بازسازی مناطق تخریب شده جنگ با سرعت بالا و عدم توجه به شرایط اجتماعی و بومی، شرایط اقلیمی و گونه شناسی مسکن
کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاریهای خارجی، قیمت نزولی نفت، افزایش بدهیهای خارجی ایران و کاهش درآمدهای ایران و تشدید رکود اقتصادی

Source: Research Findings, 2020

پس از یک دوره رکود هشت ساله، از سال ۱۳۶۷ فعالیت‌های ساختمانی در شهرها رونق گرفت و به همین جهت قیمت‌ها در زمانی کوتاه، سیر صعودی چشم‌گیری طی کرد. هجوم روستائیان به شهرها از سرگرفته شد و در مدت

زمانی کوتاهی جمعیت شهرها بسیار افزایش یافت (Bavar, 2009: 482). توسعه کمی ساخت و ساز خرد مسکونی، در اراضی حاشیه ای شهرها برای تأمین مسکن اقشار محروم، ...، نه بر مبنای طرح ریزی‌های شهری که در دهه‌های قبل در طرح‌های جامع و تفصیلی شکل گرفته‌اند تحقق می‌یابد و نه بر اساس سنن ساختی که معماری بومی در سده ماقبل، بافت‌ها را شکل داده است. ضعف سازمان حرفه ای کار، به دلیل عدم دانش و مهارت کافی کارگران ساختمانی که عموماً از مهاجران روستایی شکل گرفته‌اند و همچنین فقدان ساختار متناسبی از سلسله مراتب تخصص‌ها در فعالیت‌های اجرایی ساختمانی، از طراحی تا آغاز بهره برداری است، ...، این امر، معماری را تا حد تأمین سرپناهی حداقل تنزل می‌دهد، ...، چنین جریانی از توسعه شهری، انفجاری از نیازهای ساکنان محروم شهرهاست که امروزه چنین بافتی را تبدیل به یک معضل شهری- اجتماعی کرده است (Ansari, 2016: 100).

معماری در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷: با پایان یافتن جنگ، عملاً نظام اجتماعی و سیاسی ایران از شرایط ناشی از جنگ تحمیلی خارج شد و مجال یافت تا به دلمشغولیهای تازه در دهه دوم بپردازد (Ziaei and Safaei Sangari, 2010). رشد رفاه طلبی و ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی و ملی در طول سی سال گذشته بعد از انقلاب ۱۳۵۷، ... و کاهش ایثار و از خود گذشتگی در جامعه (Ayouzi and Jahanbin, 2012). غلبه مسائل مربوط به جنگ در فضای فکری کشور تا اواخر دهه ۶۰، فرصت شکل گرفتن برنامه توسعه را از تصمیم سازان و سیاستگذاران مراتب بالا سلب کرد و مجموعه شرایط برای رفع مشکلات آنی بسیج شد، ...، در این دوره شاهد پیدایش آثار شاخصی در حوزه معماری نبوده ایم (Moazami and Hojjat, 2017). در چنین شرایطی جامعه بعد از انقلاب و جنگ زده، صحبت در مورد تداوم سنت‌های معماری و دستیابی به هویت متناسب با غنای میراث کهن این سرزمین و مباحثی از این نوع محلی از اعراب نداشت. تبعات اقتصادی پس از انقلاب و آغاز جنگ و هزینه اداره جبهه‌ها، مانع بزرگی در برابر طرح‌های عمرانی بخش دولتی محسوب میشد و آنچه بیشتر مشاهده میشد، تخریب پی در پی بناها و شهرها در اثر جنگ بود. چنین فضای روحی متلاطمی، زمینه برای رشد معماری، شهرسازی و هنر نبود و چنین پنداشته میشد که در دورانی که جوانان وطن در خون غلطیده‌اند، صحبت از جنبش‌های پس از مدرنیسم و گرایش‌های جهانی پس از آن، با بی تفاوتی نسبت به سرنوشت کشور معادل بود (Etesam et al., 2013).

جدول ۸. وضعیت غالب ساخت و ساز و شهرنشینی در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷

جامعه و شهرنشینی
آغاز حجم عظیم فعالیتهای ساختمانی در حوزه مسکونی و افزایش قیمت‌ها در بازه زمانی کوتاه
معطل مهاجرت، خانه‌های مجردی، حاشیه‌نشینی، تغییر کاربری اراضی شهری
تنزل معماری تا حد تأمین سرپناهی حداقلی
عدم توجه به طرح‌های جامع و تفصیلی در طرح ریزیهای شهری
افزایش بی رویه جمعیت در شهرها و برنامه‌ریزی حکومت برای جلوگیری از افزایش زاد و ولد

Source: Research Findings, 2020

با وقوع انقلاب اسلامی و با توجه به تحولات عظیم اجتماعی و فرهنگی و تاکید حکومت بر هویت و گذشته این مرز و بوم، ساختمانهای متعدد مذهبی و حکومتی به این سبک ساخته شد. به عبارتی دوره شکوفایی معماری سنت گرایي در ایران در این زمان است (Ghobadian, 2013: 397). دوران جنگ، رکود اقتصادی و کم کاری (Saremi,

241: 2010). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با اولویتهایی که جنگ تحمیلی پیش روی جامعه گذاشت، ... معماری در آن سالها در عمل و نظر حرف مهمی نتوانست بزند. نقش و جایگاه معمار و معماری در این دهه نامعلوم بود و معماران نیز در این دهه دچار نوعی رخوت و رکود بودند. بعد از انقلاب نیروهای معماری، هم دچار تفرق و هم دچار کم کاری شدند. جامعه تقاضای مشخصی از معماران نداشت، معماران هم پیشنهاد مشخصی برای جامعه نداشتند (Etesam et al., 2013). تنگی شرایط اقتصادی و رویکرد نظری متولیان امر منجر میشود تا رئیس جمهور وقت مدعی شود که: هر جا که شرایط ایجاب می‌کند مردم را به روشهای سنتی ساختمان سازی، هدایت کنید (Nari Qomi, 2013). معماران مطرح در بعد از انقلاب، ... رویارو با جامعه‌ای شدند که در پی انقلاب اسلامی، تحولات وسیع و بسیار گسترده در کلیه شئون زندگی در آن صورت گرفته بود. بسیاری از هنجارهای اجتماعی دگرگون شده و سنت‌ها و ارزش‌های دینی مورد تاکید و توجه قرار گرفته بود. لذا این تحولات و گوناگونی، در کارهای انجام شده توسط معماران بعد از انقلاب انعکاس یافت و بخشی از فرمها و سبکهای مختلف اجرا شده در طی این عصر حاصل آن بود (Ghobadian, 2013: 397). در این مقطع از تاریخ کشور، خواست هویت طلبانه مردم ایران با مطالبات حق خواهانه ای نظیر استقلال ملی، آزادی و حاکمیت بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش همراه شد، ... توقف ساخت و سازهای کلان و طرح‌های تهیه شده، ... و بیکاری معماران و مهاجرت برخی از ایشان به خارج از کشور از تبعات این دوره می‌باشد (Ansari, 2016: 97). بر اساس پژوهشهایی که در دهه‌های بعد از انقلاب انجام شده است، شاخصه‌های هنر و معماری در سیاست گذاریهای انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: هویت، زیبایی ساده، میزان جهانی شدن، سلامت محور (Hamzehnejad et al., 2015).

پس از انقلاب اسلامی، ... نهادهای دولتی، ... از جمله سازمان برنامه و بودجه، ... برای برنامه‌ریزی و توسعه کشور قواعد و معیارهایی را وضع کردند که بیشتر معطوف به جوانب کمی تولید معماری بود. در تدوین این قواعد توجهی به ملاحظات فرهنگی و هنرمندانه نشده و ارایه‌های طریقی در این خصوص صورت نگرفته بود. در تناسب با چنین شرایطی نهادهای حرفه‌ای که شامل مهندسان مشاور و یا دفاتر فنی سازمان‌ها میشوند از شاخصه‌های روشنی برای ارزیابی کارهای خود برخوردار نبودند (Ansari, 2016: 97). کم کاری و تفرق نیروهای معماری، پروژه‌های ناتمام پیش از انقلاب در این دهه تکمیل شدند، پروژه‌های دولتی متوسط با هدف توسعه فضاهای اداری، پروژه‌های خصوصی که عمدتاً مسکونی بودند (Etesam et al., 2013). با توجه به نظر دولتها و شهرداریها در اوایل انقلاب نسبت به پرهیز از احداث ساختمانهای بلند مرتبه به سبب اشرف به خانه‌های مجاور، شهرها در این دوره عمدتاً بصورت افقی رشد کردند و حاشیه شهرها به سرعت به مناطق شهری تبدیل شدند (Ghobadian, 2013: 298).

نیمه نخست دهه ۱۳۶۰ را باید دوران ساخت و ساز دولتی نامید؛ زیرا عمده‌ترین ساخت و سازها که تأمین مسکن است به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سپرده میشود که زیر نظر جهاد سازندگی و وابسته به دولت است. روند ساختمان سازی در سالهای ۶۲ و ۶۳ روبه رشد است، اما در دو سال بعد، کاهش می‌یابد و بازهم گرانی مصالح یک علت عمده دانسته میشود. جدا از انقلاب فرهنگی که خاتمه‌ای دستوری را بر منازعات نظری در صنعت

ساختمان اعمال می‌کند و اندک بضاعت حاصل آمده از توجه به اوضاع خودی را توجه به رئالیسم و شرایط موجود خود جامعه، ...، عقیم میگذارد جهتگیری‌های فانتزی پیشین پیگیری میشود. مهمترین رویداد تخصصی این دوران، تدوین «مقررات ملی ساختمان» میباشد که پس از یک دوره توقف، مجدداً در اواخر سال ۱۳۶۵، وزارت مسکن و شهرسازی اقدام به سازماندهی و راهاندازی فعالیت تدوین مقررات ساختمانی نمود (Nari Qomi, 2013).

دانشکده‌های معماری: بازگشت به خویشتن، احیای ارزش‌های پایدار سنت، مفاهیم ازلی و ابدی معماری مستتر در تاریخ، اهمیت دادن به کنکاشهای نظری در آموزش، پیوند آموزش معماری با فرهنگ خودی و بررسیهای تاریخی معماری دوره‌های پیش از مدرنیسم از منظر ملی و منطقه‌ای، برنامه درسی جدید (Ansari, 2016: 98). تمرکزگرایی شدید در فرهنگ و آموزش در فاصله سال‌های (۱۳۷۲-۱۳۵۸). تاسیس جهاد دانشگاهی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی. تا ۸ سال پس از انقلاب اسلامی مجله تخصصی معماری نداشتیم تا اینکه در سال ۱۳۶۶ معماری و هنر ایران تاسیس شد، ... که نشانه تحلیل رفتن امکانات انتشار بعد از تعطیلی هنر و معماری بود. یک سال بعد، در ۱۳۶۷، مجله معماری و شهرسازی شروع به انتشار کرد (Samarkand, 1998). در سال ۱۳۶۸ دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران، اقدام به انتشار مجله تخصصی معماری و شهرسازی "صفه" نمود (Haghir, 2009).

جدول ۹: وضعیت غالب معماری در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷

جامعه و معماری
عدم پیدایش آثار شاخص در حوزه معماری
زمینه‌ای برای رشد معماری، شهرسازی و هنر وجود ندارد
شاخصه‌های روشنی برای ارزیابی آثار معماران، مهندسان مشاور و دفاتر فنی سازمانها وجود ندارد
وقفه در ساخت و سازهای کلان یا حذف طرحهای تهیه شده قبل از انقلاب
عدم شکل‌گیری هرگونه برنامه توسعه مدون و برنامه‌ریزی شده
در آغاز راه بعد از انقلاب و جنگ: دوران ساخت و ساز دولتی
توجه ویژه به ساختمانهای مذهبی و حکومتی به سبک معماری سنت‌گرای در ایران
فعالیت حوزه مسکونی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی
هزینه اداره جبهه‌ها، مانع بزرگی در برابر طرحهای عمرانی بخش دولتی
نامعلوم بودن نقش و جایگاه معمار، رخوت و رکود معماران، بعد از انقلاب، تفرق و کم‌کاری نیروهای معماری، جامعه تقاضائی از معماران ندارد، معماران پیشنهاد مشخصی برای جامعه ندارند
تاکید بر سنت‌ها و ارزش‌های دینی جامعه، ادامه روشهای سنتی ساختمان‌سازی در معماری مردمی
تعویض و تغییرات بنیادی در ساختار دانشکده‌های معماری، تاسیس دانشکده‌های غیردولتی
تغییر محتوای دروس دانشگاهی، پاکسازی یا مهاجرت تعداد قابل توجهی از اساتید معماری
پیوند آموزش معماری با فرهنگ خودی و بررسیهای تاریخی معماری دوره‌های پیش از مدرنیسم
توجه ویژه به جوانب کمی تولید معماری، عدم توجه به ملاحظات فرهنگی و هنرمندانه
تمرکزگرایی در فرهنگ و آموزش، فقدان امکانات انتشار نشریات، کتب و مجلات تخصصی
پرهیز از احداث ساختمانهای بلند مرتبه به سبب اشراف به خانه‌های مجاور و افقی‌گرایی شهری

Source: Research Findings, 2020

بحث: با استناد به مطالعاتی که در بخشهای پیشین آورده شد، میتوان معیارهائی کلی - البته از جنبه اجتماعی معماری - برای تشخیص وضعیت جامعه ایران قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تشخیص داد. در جدول ۱۰، معیارهای ذیل به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است:

معماری و مدرنیزاسیون، معماری لوکس (تجمل‌گرا) و غیر لوکس (ساده)، معماری فضاهای عمومی، دانشکده‌های معماری، اساتید معماری، مسابقات - کنگره‌ها و گردهمایی‌های تخصصی معماری، نشریه‌های تخصصی معماری، شرکت‌های مشاوره و طراحی، معماری بخش دولتی، معماری مسکونی بخش خصوصی، معماری شهری، معماری و زنان، معماری و ایدئولوژی‌های اجتماعی، معماری - کالای سرمایه‌ای، معماری و ارزش‌های تاریخی - بومی - ملی، معماری و هویت، معماری و فرم.

جدول ۱۰: تشریح معیارهای کلی وضعیت معماری در جامعه بعد و قبل از انقلاب ۱۳۵۷

معیارهای اجتماعی معماری	جامعه ایران در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷	جامعه ایران در انقلاب ۱۳۵۷	جامعه ایران در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷
معماری و مدرنیزاسیون	ترویج حداکثری مدرنیزاسیون و تغییر سبک زندگی به مدرن	ضدیت حداکثری با مدرنیزاسیون در تمامی عرصه‌ها	دیدگاه‌های افراطی سنتی و مبارزه علیه مظاهر «مدرنیسم» و «سلطنت»
معماری لوکس یا ساده	توجه ویژه به لوکس گرایی در طبقه اشراف	ضدیت حداکثری با اشرافیگری و لوکس گرایی	توجه ویژه به سادگی و ساده سازی در تمامی طبقات جامعه
معماری فضاهای عمومی	توجه ویژه به خلق فضاهای اجتماعی عمومی - فرهنگسرا، پارک، موزه و ...	توقف و تخریب پروژه‌های فرهنگی - احداث کمرنگ ساختمانهای مذهبی - حکومتی	وقفه در ساخت و سازها
دانشکده‌های معماری	آموزش بر اساس عوامل اجتماعی افزایش شمار موسسات آموزشی	تعطیلی مطلق در تمامی ارکان جامعه	تغییر محتوای دروس دانشگاهی بر اساس ایدئولوژی ایرانی - اسلامی جدید
اساتید معماری	جذب تحصیلکردگان غربی با ایدئولوژی مترالیستی غرب		پاکسازی یا مهاجرت تعداد قابل توجهی از اساتید دانشگاهی
مسابقات، کنگره‌ها و گردهمایی‌های معماری	اوج ارتباط با کشورهای غربی و گردهمایی‌های مشابه غربی		وجود ندارد
نشریه‌های تخصصی معماری	آغاز اولین نشریات تخصصی با فعالیت و رونق ارکان جامعه از جمله مطبوعات		وجود ندارد
شرکت‌های مشاوره و طراحی معماری	حضور شرکت‌های نام آور بین المللی و فعالیت حداکثری		انداک توان و تخصص داخلی کمبود متخصص در تمامی عرصه‌های اجتماعی
معماری بخش دولتی	دوران تعالی مدرنیسم «سرعت عمل» در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی		بازسازی مناطق تخریب شده جنگ با سرعت بالا و عدم توجه به شرایط اجتماعی و بومی دوران ساخت و ساز دولتی - مذهبی - حکومتی
معماری مسکونی بخش خصوصی	فناوری غربی و فوق لوکس درباری آغاز مهاجرت و حاشیه‌نشینی روستایان در شهرهای بزرگ	افزایش مهاجرت به شهرها کپرنشینی، زورآباد و حلبی آباد	روشهای سنتی ساخت و ساز پروژه‌های بی کیفیت بدون توجه به ابعاد اجتماعی در معماری
معماری شهری	زرق و برق مراکز جدید	وجود ندارد	تنزل اجتماعی خانواده ایرانی تا حد تأمین یک سرپناه حداقل
معماری و زنان	توجه ویژه به جایگاه و مساله زنان اشتغال زنان در تمام ارکان جامعه	کمرنگ شدن و در مواردی حذف زنان در مسئولیتهای اجتماعی خانه نشینی و ایجاد محدودیت برای زنان در مشاغل اجتماعی	
معماری و ایدئولوژی اجتماعی	معماری بر مبنای ایدئولوژی جامعه غربی	ایدئولوژی وجود دارد ولی بالفعل نیست	معماری بر مبنای ایدئولوژی سنت گرا معماری بر مبنای ایدئولوژی ایرانی - اسلامی
معماری کالای سرمایه‌ای	معماری مترالیستی	مردود شدن مترالیسم	در ابتدای این دوره مترالیسم اهمیتی ندارد در پایان جنگ بر اساس تفکر اجتماعی، معماری کم کم به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل میشود
معماری و ارزش‌های تاریخی - بومی - ملی	احیای ارزش‌های بومی و ملی	ارزش وجود دارد ولی بالفعل نیست	تاکید بر سنت‌ها و ارزش‌های دینی جامعه وجود نوعی سردرگمی دائمی در جامعه
معماری و هویت معماری و فرم	هویت غربی و هویت ملی فرمهای یک جامعه غربی سادگی، خلوص، فلز، بتن و شیشه	هویت اسلامی وجود ندارد	هویت ایرانی - اسلامی فرمهای یک جامعه اسلامی گنبد، طاق و مناره

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

بررسی‌های اسناد تاریخی نشان می‌دهد عوامل غیرمعمارانه‌ای چون جامعه، در وقوع و تغییرات معماری هر دوره دخیل بوده است. آغاز مدرنیزاسیون غربی در جامعه ایران، بنیاد مذهبی ساختارهای قدیمی جامعه را در می‌نوردد و از همین رو جامعه به دو شقه مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می‌گردد. دولتی‌ها و طبقه‌ای از جامعه که متصل به دربار بوده‌اند، در این میان از موهبات مدرنیزاسیون بهره‌مند شده و به خلق معماری خاصی که تقلیدی از ساختارهای جوامع غربی است روی می‌آورند. در نقطه مقابل آن ساختارهای سنتی نهادینه در بطن جامعه به حاشیه رانده شده ولی همچنان در حال ادامه حیات و البته مخالف با ارکان جامعه تقلیدی غرب هستند- همین طبقه از جامعه است که در انقلاب ۱۳۵۷ بر ضد ساختار مدرنیستی و اشرافیگری طبقه سلطنتی می‌شورد و نوع حکومت را تغییر می‌دهد. مطابق (جدول ۱۰) معیارهای تشخیص جوانب اجتماعی معماری به تفکیک در ۳ دوره تاریخی دهه قبل از انقلاب، خود انقلاب و دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷ استخراج شده است. ساختار مدرن جامعه ایران در دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷ برگرفته از جامعه مدرن غربی است که توسط حکومت در جامعه ایران در حال ترویج است. در عرصه معماری نیز شاهد آن هستیم که بخش عظیمی از وقایع مرتبط با معماری، برگرفته از جامعه مدرن آن روزهاست. با وقوع انقلاب ۱۳۵۷، دگرگونی عظیمی در ساختارهای اجتماعی رخ می‌دهد که بساط مدرنیسم را مورد تردید قرار داده و تلاش می‌کند هرچند سطحی و کوتاه مدت تبعیت از غرب و جامعه مدرن غربی را کنار بگذارد. در این دوره اما با سردرگمی اجتماعی در تمامی عرصه‌ها مواجهیم، معماری نیز از این سردرگمی مستثنی نبوده و لاجرم شاهد تعطیلی بخش عظیمی از زیرساختهای جامعه و معماری هستیم. وقوع جنگ در دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و بجا ماندن حجم عظیمی از ویرانیه‌ها، نیاز به نوسازی و بهسازی در جامعه ایران با ضرورت ارجاع به فناوریهای نوین ساختمانی را مجدداً لازم مینماید. از طرفی جامعه مذهبی نتوانسته است در برابر هجوم مدرنیستی تاب آورد و پس از گذشت یک دهه بعد از انقلاب با وجود تاکید بر آرمانهای ایرانی- اسلامی بر پایه نهضت دینی و ساختار پایه ریزی شده جامعه مدرن در قبل از انقلاب، مجدداً رجوع به مدرنیسم به شکلی توجیه‌وار و معتدل سرلوحه ارکان مختلف جامعه از جمله هنر و معماری می‌شود.

References

- Abrahamian, Yervand. (2016). History of modern Iran. Tehran: Ney.
- Abrahamian, Yarvand. (2017). Iran between two revolutions. Tehran: Ney.
- Ismaili, Alireza; Bayani, Ali. (2010). The structure and function of political-economic development from land reform to the Islamic Revolution (1978-1988). Quarterly Journal of Political Studies. 2 (8), 175-190.
- Etesam, Iraj; Farmahini Farahani, Reza; Eghbali, Seyed Rahman (2013). The evolution of Fermi in the architectural design of cultural buildings in contemporary Iranian architecture (three decades after the Islamic Revolution). City identity. 7 (14), 25-36.
- Ansari, Hamid Reza (2016). An Analysis of Contemporary Iranian Architecture. Tehran: Sabzan.
- Bagheri, Asghar, Karimov, Musa. (2013). A critical analysis of the historical trend of higher education in Iran. Cultural sociology. 4 (1), 23-57.
- Founder Massoud, Amir. (2010). Contemporary Iranian architecture in the struggle between tradition and modernity. Tehran: The Architectural Art of the Century.
- Believe, Cyrus. (2009). A look at the discovery of new architecture in Iran. Tehran: Space.

- Hassanpour, Nasser; Sultanzadeh, Hussein (2016). Background factors of contemporary Iranian architectural developments in the second Pahlavi period and its comparative comparison with Turkey. *Garden of Nazar*, 13 (44), 39-52.
- Haqir, Saeed. (2009). Structural Orientation in the Production of Architectural Theory in Contemporary Iran, *Engineering Sciences of Iran University of Science and Technology*, 19 (10-b), 161-171.
- Hamzeh Nejad, Mehdi; Rasooli, Mehdi; Yazdanfar, Seyed Abbas (2015). Ideal features of the Islamic Revolution of Iran. *Studies of the Islamic Revolution*, 12 (41), 131-148.
- Khanizad, Shahriar; Ehsani Moayed, Farzaneh. (2014). *Kamran Diba and humanitarian architecture*. Tehran: *The Architectural Art of the Century*.
- Dehghannejad, Morteza; Kajbaf, Ali Akbar; Mojtaba Zadeh, Abdul Kazem (2015). Explaining the effect of oil revenues on the emergence of new institutions (education and press) in Iran and the role of these factors in the formation of the Islamic Revolution (1953-1979). *Quarterly Journal of Historical Research*. 8 (1), 15- 34.
- Samarkand, d. (1998). Assessing the status of architectural theory in Iran today. *Architect*, (3), 25-31.
- Shaygan, Dariush. (2016). *In search of lost spaces*. Tehran: *Contemporary Culture*.
- Saremi, Ali Akbar (2010). *Warp and weft and still ... My story and our architecture*. Tehran. *Architectural art of the century*.
- Ziaee, Hesam; Safaei Sangari, Ali. (2017). Sociological study of the poetry of the Islamic Revolution between the years 1357-1399 AH. *Sociology of Art and Literature*. 9 (1), 159-182.
- Tribe, Ehsan. (2011). *Ideas and creativity in Iranian architecture*. Tehran: *Alam Memar*.
- Alizadeh, Shirin; Qaderi, Tahereh. (2014). A study of the central social issue of Tehran in the first years of the Islamic Revolution until the end of the war (1357-67) and its relationship with the social conditions prevailing in this period. *Iranian Social Science Studies*. 11 (43), 147-163.
- Eivazi, Mohammad Rahim; Jahanbin, Farzad. (2012). The trend of value changes in Iran after the Islamic Revolution from 1978 to 2009. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*. 9 (29), 213-242.
- Ghaffari, Omid; Book, Mahmoud; Waez, Nafiseh. (2008). A Study of Political Development in the Constitutional Era and the First Decade of the Islamic Revolution. *Iranian Social Development Studies Quarterly*. 10 (4). 21-36.
- Farhi, Farshad. (1999). Axis and flow of architecture. *Architecture and Urbanism*. (8).
- Fawzi, Yahya; Ramezani, Maliha. (2009). The new middle class and its effects on political developments after the Islamic Revolution in Iran. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*. 5 (17), 11-28.
- Fawzi, Yahya. (2011). Dimensions, trends and factors affecting political developments in Iran after the Islamic Revolution. *Quarterly Journal of Politics*. 41 (4), 193-204.
- Fawzi, Yahya. (2011). The direction of socio-political developments after the revolution in Iran. *Quarterly Journal of Politics*. 41 (2), 253- 267.
- Ghobadian, Vahid. (2013). *Stylistics and theoretical foundations in contemporary Iranian architecture*. Tehran: *Alam Memar*.
- Sheriff, Abdul Hussein; Siddiqui Kasmaei, Minoo. (2017). From demanding the right to the city to the formation of the urban revolution (Tehran, 1978). *Urban sociological studies*. 7 (23), 53-78.
- Mokhtari Taleghani, Alexander. (2011). *The heritage of modern Iranian architecture*. Tehran: *Cultural Research Office*.
- Statistics Center of Iran (2019). *National Statistics Portal*, retrieved August 26, 2017 from <https://www.amar.org.ir>.
- Moazami, Manouchehr; Hojjat, Jesus. (2017). The roots of cultural disintegration in contemporary Iranian architecture. *Utopia architecture and urban planning*. (21), 103-112.
- Nari Qomi, Massoud. (2013). The evolution of the professional community's view of building technology in Iran after the Islamic Revolution (1357-1389) during the specialized press, *Iranian architectural studies*. (4), 131-150.
- Vosoughi, Mansour; Abdullah, Hussein (2014). The class structure of Iranian society and the trend of its developments, the period of 1335-1390. *Urban Sociological Studies*, 5 (13), 55-82.

Study of Social Thoughts Affecting Changes in the Physical-Spatial Texture of Cities with Emphasis on the Architecture of the Decade before and After the Revolution of 1978 from the Perspective of Contemporary Writings

Alireza Joze Piri

Ph.D. in Architecture, Department of Architecture, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mehrdad Matin*

Assistant Professor, Department of Architecture, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Kaveh Bazrafkan

Assistant Professor, Department of Architecture, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The subject of the research is the processing of social factors of history after the Iranian revolution and its effects on contemporary architectural thinking. Effective social factors that are considered as a kind of involvement in the evolution of architecture of each historical period. Architecture as an interdisciplinary current has always been influenced by factors such as society. The question is what the relationship between architecture and social fields is and what is this relationship in the field of architecture for the 3 decades of the 1979 Revolution? The research hypothesis is that a study of the history of contemporary Iranian architecture can lead the researcher to a general vision of the current climate of society in the years to come and vice versa. Explanation of social elements is evident in architectural writings, and the resulting insight can be explained by reference to socio-historical events. Research is underway after a library study in both the social and architectural fields in order to gain an understanding of the society of those days and to follow the architecture of it, in the meantime, to identify and introduce the content of the authored works that are influenced by social factors. Research is qualitative with interpretive strategy, which explains the changing background of the intervening variable, such as society in architecture, through historical methods and the use of logical reasoning. The results of these studies show that the criteria for recognizing the social aspects of architecture in the three historical periods before the revolution, the 1979 revolution and the decade after the revolution, indicate a transition from a super-modern and luxurious society to a traditional-religious society and a return to a moderate modern society.

Keywords: Social Thoughts, Revolution 1978, Contemporary Writing, Contemporary Architecture.

*. (Corresponding author) mehrdad.matin@ymail.com